



۲۰۱۷/۰۴/۲۶



م. نسیم اسیر
ملک الشعراى افغان ها در هجرت

هدایت کرملین!!

یاد آوری از کودتای ثور و هجوم قوای سرخ شوروی در افغانستان:

گذشت دوران، تلخی ها و شیرینی هایی دارد که اثرات نیک و بد آن در احساس و عواطف انسان باقی می ماند. از جمله کودتای منحوس ۷ ثور، سرآغاز همان سیه روزی های پایان ناپذیری است که حتی با تذکر کلمه «ثور»، تلخترین خاطره ها در اذهان مردم ما تداعی می شود. این کودتا، با هجوم قوای سرخ اتحاد جماهیر شوروی وقت، به غرض حمایت از چند وطنفروش، آفتی بود که با کشتارها و قید و زندان کردن ها افزود و عامل نابسامانی های بیشتر گردید. یاد آوری از چنین روز سیاه و درد هایی که دامنگیر است، اگر زخم های خونین دل مردم را التیام نکند اقلأً برای کسانی که وطن و آرامش کلی سرزمین محبوب خود را از دست داده و در اقصای جهان با عسرت و حسرت زندگی می کنند تسکین خاطری ایجاد خواهد کرد. به همین مناسبت منظومه ای را که ۲۴ سال پیش سروده و چندین بار به نشر سپرده ام، به حیث تکرار حسن پیشکش می کنم:



در سینه آتشی ست، خدایا عنایتی	رحمی، تفقدی، کرم بی نهایتی
تا سر کنم ز حال دل خود حکایتی	خونین حکایتی به طریق شکایتی
تا شد زمام ما به کف بی کفایتی	نی راحتی نصیب کسی، نی حمایتی
نی گوش کس گشوده به فریاد عاجزی	نی چشم کس گشاده به رمز و کنایتی
نی ناله ای اثرکن دل های تیره ای	نه همدمی، نه دادگری بر شکایتی
بر سوز و ساز کس نه نواسنج همدمی	نه مهربانی بی ز کسی، نه رعایتی
بر مادران خسته نه رحم و شفاعتی	بر طفلکان زار، نه مهر و عنایتی
یک خیل هرزه حاکم و محکوم شان همه	یک جمع سقله غرق به مکر و سعایتی

بر عاملین ملک نه علمی، نه دانشی
بگسیخته زمام ادب، پایه شرف
بی ظلم و بی فساد نه شهری، نه قریه ای
کشتار را نه فاصله ای، نه کرانه ای
یک جمع خود فروش بود پیشتاز ملک
جور فلک همینقدرم بس که می کشم
با این گروه کس نکند آشتی (اسیر)

بر فاعلین امر، نه عقل و درایتی
نه هادی و نه راهنما، نه هدایتی
بی رنج و بی کساد، نه ده، نه ولایتی
بیداد را نه خاتمه ای، نه نهایتی
از این زیاده نیست خدایا جنایتی
از نا کسان صلاهی وفا و حمایتی
تا می رسد ز قصر کرملین هدایتی

م. نسیم (اسیر) اکتوبر ۸۳ م، بن المان

